پلازا- نیویورک 2 آیا تاریخ تکرار می شود

کاهش شدید ارزش دلار در هفته‏های پس ازانتخابات‏ ریاست جمهوری آمریکا و پیروزی مجدد بوش،شایعه‏ برگزاری اجلاس مقامات اقتصادی و بانکی کشورهای‏ صنعتی را با هدف تقویت ارزهای عمده در برابر دلار دامن‏ زده است.در سال 1985 نیز اجلاسی همانند،در هتل پلازای‏ نیویورک ترتیب یافت و بیانیه پایانی آن به«بیانیه پلازا»مشهور شد.امروز نیز از تشکیل«پلازا-نیویورک 2»خبر می‏رسد.

کاهش یا سقوط دلار

وضعیت اقتصاد ایالات متحده آمریکا ا جمله مباحثات‏ اصلی نامزدهای ریاست جمهوری آن کشور بود.از رویکر جان کری،نامزد حزب دموکرات،به مقوله‏ اقتصاد،توجه او به کسری‏های دوگانه بودجه و تراز پرداخت آمریکا و تاکیدش بر لزوم گسترش صادرات‏ برای کاهش کسری‏ها،چنین برداشت می‏شد که در صورت پیروزی وی،ارزش دلار با هدف افزایش صادرات‏ ،کاهش خواهد یافت.اما جرج بوش در هنگام مبارزات‏ انتخاباتی از سیاست دلار قوی سخن می‏گفت.وی‏ همچنین وعده داد در صورت پیروزی،در دور دوم ریاست‏ جمهوری کسری بودجه آمریکا را نصف تقلیل خواهد داد.این همه در حالی بود که بر اثر سیاست کاهش مالیات‏ ،که کم شدن درآمدولت را در پی داشت،و افزایش هزینه‏ های نظامی در افغانستان و به ویژه در عراق،کسری بودجه‏ آمریکا در دور اول ریاست جمهوری بوش به حدود پنج‏ درصد تولید ناخالص رسیده بود.

اما با وجود پیروزی جرج بوش،بی‏اعتمادی به توانایی‏ آمریکا در کاهش کسری‏های دوگانه،موجب سرعت یافتن‏ وند کاهش ارزش دلار شد.در همان زمان که بوش از سیاستهای خود در دور دوم ریاست جمهوری سخن می‏ گفت،رویکردی متفاوت بر بازارهای پولی و مالی حاکم بود. پس از انتخاب مجدد بوش روزنامه یومیوری چاپ‏ توکیو از تقویت این شایعه خبر داد که هدف دولت‏ جمهوریخواه آمریکا اصولا کاهش ارزش دلار در قبال‏ ارزهای عمده است تا از رهگذر آن صادرات آن کشور، بخصوص فولاد و خودرو،که صاحبان آن از بوش‏ حمایت کرده‏اند،افزایش یابد.

به هر حال روند کاهنده ارزش دلار در قبال«یورو»و «ین»که از آغاز سال 2003 به ترتیب به بیش از 24 و 15 درصد رسیده،نگرانی مقامات اروپایی را برانگیخته است. این نگرانی همچنان ادامه دارد و مشکلی از آمریکا حل‏ نشده است.زیرا عمده‏ترین معضل،کسری تراز تجاری‏ 25 درصدی آمریکا با چین است که در سال 2003 به بیش‏ از 124 میلیارد دلار افزایش یافت.انتظار می‏رود این کسری‏ در سال 2004 بیشتر نیز شود،زیرا رابطه«یوان»چین با دلار ثابت( peg )است و به همین سبب چشم‏اندازی برای‏ کاهش این کسری تجاری وجود ندارد.

این مشکل در اجلاس اخیر آپک در سانتیاگو(شیلی)و گروه 20 در برلین(آلمان)مطرح شد،ولی راه‏حلی برای آن‏ به دست نیامد.اظهارات بعدی«آلن گرین اسپن»،رئیس‏ بانک فدرال رزرو،آمریکا مبنی بر اینکه اگر روند کاهش‏ ارزش دلار ادامه یابد،سرمایه‏داران بین‏المللی نهایتا نقدینگی دلاری خود را تعدیل خواهند کرد،بر نگرانی‏ها پیرامون سقوط ارزش دلار و اثرات سوء آن بر اقتصاد جهانی افزود و شایعه برگزاری اجلاس مشابه پلازا- نیویورک را تقویت کرد.

نگاهی به نتایج نشست 1985

در اواسط دهه 80 میلادی اقتصاد آمریکا وضعیتی مشابه‏ امروز داشت؛یعنی با مشکل کسری دوگانه بودجه و تراز پرداخت‏ها روبه‏رو بود.در آن زمان هم جمهوریخواهان در قدرت بودند و رونالد ریگان ریاست جمهوری آمریکا را بر عهده داشت.برای مقابله با این معضل،جمهوری‏خواهان‏ به شیوه معمول خود،سیاست کاهش مالیات را به اجرا درآوردند.هدف آنان افزایش درآمدها بود.اما در عمل آنچه‏ اتفاق افتاد،افزایش شدید تقاضا،رشد واردات و افزایش‏ کسری بودجه بود.بانک مرکزی آمریکا برای مقابله با تورم‏ ناشی از کسری‏ها،نرخ بهره را افزایش داد.افزایش نرخ بهره‏ سبب افزایش نرخ دلار شد و دلار گران نیز کسری‏ پرداخت‏ها را افزایش داد.در ادبیات اقتصادی،این دور باطل، مشکل اصلی اقتصاد ریگانی یا ریگانومیک نام گرفت.

در 22 سپتامبر 1985 وزیران دارائی و روسای بانکهای‏ مرکزی گروه 7 در هتل پلازای نیویورک گرد آمدند تا درخواست آمریکا را برای دخالت در بازار ارز بررسی کنند. در بیاینه پایانی اجلاس که به بیاینه پلازا شهرت یافت،بر ضرورت دخالت بانکهای مرکزی در بازار ارز،برای درمان‏ دور باطل اقتصاد آمریکا تاکید و راه چاره افزایش نرخ برابری‏ پولهای قوی دنیا در برابر دلار اعلام شد.در واقع با این چاره‏ اندیشی،آمریکا به خواست خود رسید.آمریکا از ابتدا خواستار آن بود که با کاهش نرخ دلار،واردات کاهش یافته، به میزان صادرات آن کشور افزوده شود تا به این ترتیب بتواند از میزان کسری تجاری و کسری پرداخت‏ها بکاهد.

بر اساس برنامه تنظیمی،بانکهای مرکزی کشورهای‏ گروه 7 وارد بازار پول شدند و ارزش دلار را پائین آوردند. کارشناسانی که چنین برنامه‏ای را تدوین کرده بودند، اعتقاد داشتند ارزش برابری دلار متناسب با اقتصاد آمریکا و به ویژه کسری‏های دوگانه آن نیست و باید کاهش یابد. اجرای برنامه کاهش ارزش دلار 18 ماه به طول انجامید. زمانی که این گروه بار دیگر در فوریه 1987 در پاریس گرد آمدند،ارزش دلار در برابر مارک آلمان به نصف و در برابر پوند از یک به 55/1 تقلیل یافته بود.در آن گردهمایی، رؤسای بانکهای مرکزی شرکت کننده به استثنای ایتالیا، بیانیه نهایی را که به اعلامیه«لوور»معروف شد،امضاء کردند.در بیانیه تاکید شده که نرخ برابری ارزها(در سطح‏ آنروز)باید تثبیت شود.اجلاس موور در واقع یک پیام‏ مشخص برای بازارهای پولی داشت:دخالت برای‏ کاهش ارزش دلار کافی است و بانکهای مرکزی باید برای تثبیت نرخ برابری ارزها و پایدار ساختن این ثبات‏ دخالت کنند.

بار دیگر دخالت در بازار ارز

آیا اکنون بار دیگر نیاز به مداخله جهانی در بازار ارز هست؟به نظر می‏رسد پاسخ این پرسش منفی باشد.قبل‏ از همه،به این دلیل که اساسا امروزه کسی در اندیشه‏ دخالت در بازارها نیست.در واقع بازار پول و ارز جهان‏ در خلال 15 سال گذشته به حدی رشد یافته که دخالت‏ بانک‏های مرکزی را عوامل دیگر بازار خنثی خواهند کرد.

در عین حال تداوم وضع فعلی عملی به نظر نمی‏رسد.به گفته رئیس فدرال رزرو آمریکا،در شرایط کاهش ارزش دلار،نمی‏توان انتظار داشت کشورهای‏ دیگر همچنان تزریق سرمایه به آمریکا و پر کردن شکاف‏ کسری‏های آن کشور علاقه‏مند باقی بمانند.

نکته مهم‏تر آنکه اگر آمریکا نتواند اطمینان بین‏المللی‏ را به دلار اعاده کند کشورهای دیگر نقدینگی دلاری خود را با ارزهای دیگر معارضه خواهند کرد.به تازگی مقامات‏ روسی و چینی اشاراتی به این موضوع داشته‏اند.ذخیره‏ ارزی کشورهای آسیایی بیش از 2 تریلیون دلار برآورد می‏ شود.در میان سهم چین بالغ بر 500 میلیارد دلار است. به این ترتیب اگر این کشورها تصمیم به معارضه دلار بگیرند،سقوط ارزش دلار،امری قطعی خواهد بود.

بر این اساس،بسیاری از صاحب‏نظران معتقدند تجربه پلازا در عمل ناموفق بوده است و حل مشکل کسری‏های ایالات متحده‏ آمریکا از طریق دخالت دولت‏ها و ارزان کردن دلار امکان‏پذیر نیست.مهم‏تر آنکه چه بسا فرایند سقوط را تشدید کرده بر دشواری‏ها بیفزاید.علی‏رغم چنین باوری،آمریکا همچنان‏ خواستار کمک دیگران برای کاستن از ارزش دلار است.